

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم "اسیر"
27 سپتمبر 2011

شهره شهر

پری روئی که دام کاکلش بر شانه می ریزد
مرا گرم نگاه مست او می بیند و ساقی
پس از این می گزینم گوشه دامن صحرا را
نصیب آشنایان از لبش جز درد حسرت نیست
چنان در شهر، شهرت یافتم در عشقبازیها
غم هجران تو ملک دلم را سخت ویران کرد
جنونم رفته تا جایی که دور از حلقه طفلان
خمار من به دور چشم مخمورش نخواهد رفت

ز خال کنج لب هر دم به راهم دانه می ریزد
به هر مژگان زدن، پیمانہ بر پیمانہ می ریزد
که بی تو غم سر غم از فضای خانه می ریزد
چو قند الفتش در کام هر بیگانه می ریزد
که از حرفم جنون می بارد و افسانه می ریزد
بلای آسمانی هم درین ویرانه می ریزد
کنون سنگ ملامت بر سرم دیوانه می ریزد
«به این تمکین که ساقی باده در پیمانہ میریزد»

«اسیر» آهنگ آزادی میسر نیست می بینم

که شوخی دام میماند، نگاری دانه می ریزد

(م. نسیم «اسیر» - فرانکفورت، جنوری 2006 م)